

## مقالات



(ترجمه)

نظام‌های عربی پس از نابودی خلافت با حمایت از دولت‌های کافر ظهور کردند و این نظام‌ها چقدر با گروه‌های دیروز شبیه اند، مانند: گروه‌های به اصطلاح شریف مکه، شریف حسین و یا گروه‌های آل سعود و گروه‌های دیگری از این قبیل که در سرزمین‌های عربی با کشورهای حامی شان، مانند فرانسه و انگلیس مرتبط بودند، همچو: مزدوران ششم می که توسط جمال پادشاه إعدام شدند و کسانی هم بودند که حامیان شان آن‌ها را به قدرت رساندند و پس از بدست گرفتن زمام قدرت؛ قوانین و دساتیر حامیان خود را تنفیذ کردند، چقدر امروز شبیه دیروز است!

گروه‌های مرتبط، امروز در پی آن هستند تا با تنفیذ نمودن برنامه‌ها و نقشه‌های حامیان خود، به سمت راه‌حل سیاسی امریکا که در پیمان ژینو و قطعنامه شماره ۲۲۵۴ ذکر شده است، بروند.

سران این گروه‌ها، دولت‌های را ایجاد کردند که هر گروه مطابق به پلان خودش دولت را به پیش می‌برد، مانند: دولت نجات و دولت موقت. برخی دیگر به عنوان جنگ‌سالاران، مناطقی را تحت نفوذ خود قرار داده و شروع به تنگنا قراردادن مردم با خانه‌ها و وسایل شان از طریق اعمال حق امتیاز و عوارض در گذرگاه‌ها، پست‌های بازرسی و جاده‌ها کردند. همه این‌ها بخاطر وادارکردن مردم به پذیرش راه‌حل سیاسی امریکا، که برخی آن را راه نجات از این وضعیت می‌پندارند، بود. اما این راه‌حل، بزودی این جنگ‌سالاران را در پیشگاه مردم ذلیل نموده و گذشته از فساد، این راه‌حل و ضعف آن در حل مشاکل مردم به دلیل نشأت آن از سوی بشر ضعیف، استعمارگر و کینه‌توز، به زانو درخواهد آورد.

به مردم خود در سرزمین شام یادآور می‌شویم که سران گروه‌ها فداکاری‌ها و قربانی‌های شان را بفروش رسانده اند و هدف انقلاب را مطابق به خواست حامیان شان تغییر جهت دادند و برای خود و فرزندان خود بدون هیچ همدلی و توجهی به فرزندان شهداء؛

ثروت‌های بی‌شماری انباشتند و هم‌چنین مجاهدین مخلص را از فتح جبهه‌ها برای آزادسازی مناطقی که به عنوان خوش خدمتی برای سوچی و آستانه تحویل داده اند، منع کردند و قصه ابی خوله بهترین دلیل بر آنست.

آیا مردم شام بدین خاطر قیام کردند تا با اقامت در اردوگاه‌های دور از شهرها، روستاها و شهرک‌های خود به این وضعیت برسند، در سکونت‌گاه‌های فلاکت‌بار در مرزهای ترکیه زندگی کنند تا برای مدتی طولانی با سرنوشتی همچو سرنوشت مردم فلسطین مواجه شوند و نهایتاً از جغرافیای ترکیه پاسبانی کنند! آیا مردم شام برای جایگزین کردن نظام سکولاری با نظام سکولاری دیگر قیام کردند یا برای جایگزینی حاکم ظالم و دست‌نشانده با جنگ سالاران مرتبط و ظالم که برای شان مالیات وضع کنند و تغذیه شان درد و رنج مردم باشد و هرکس که کلمه حق را آشکارانه بگوید و یا ظلم و استبدادشان را تقبیح کند، زندانش کنند؟!

بر مردم شام لازم است که بدانند؛ سکوت‌شان در برابر سران گروه‌ها، ظلم‌شان در برابر هدف انقلاب و تجارت‌شان با قضیه انقلابیون، خشم الله سبحانه و تعالی و خون ریخته شده شهداء را بدنبال خواهد داشت. هم‌چنین لازم است که بدانند؛ این وضعیت منجر به حاکم شدن نظام سکولاری خواهد شد که منافع دولت‌های حامی را تأمین نموده و در رأس آن امریکا و جنگ‌سالارانی از سران گروه‌ها قرار خواهد گرفت، طوری که قربانی‌های فرزندان انقلاب به هدر خواهد رفت و آنگاه، رنج شدیدی از شرایط: فقر، بیماری، جهل و تهی‌دستی در زیر سایه یک دولت سکولار فاسد در یک دولت شکست‌خورده همچو: لبنان و عراق و ظلم حکام نظام‌های ستمگر که مردم علیه آن قیام کردند، حاصل خواهد شد.

هم‌چنین به انقلابیون مخلص متذکر می‌شویم که سران گروه‌ها در حال هماهنگی با امریکا و مزدورانش اند تا این راه‌حل سیاسی را مرحله‌بندی کنند و مردم را نیرنگ و گول بزنند تا از این مراحل عبور کنند. دسیسه‌بازی با سرنوشت مردم انقلابی به هیچ وجه برای شان جایز نبوده و در برابر آنان سکوت کردن، گناه بس بزرگ و آشکاری‌ست.

این از سیاست امریکا و مزدورانش است که سران گروه‌ها را ابزاری برای خود قرار می‌دهد تا زمام امور را برایش بسپارند. ما شاهد اقدامات بسیاری از سوی سران گروه‌ها برای توسل به امریکا و نشان دادن اعتدال به آن و دیدار با فرستادگان آن مانند؛ مارتین اسمیت و دیگران بوده ایم تا از اسلام معتدل یا حتی نسبی خود آن را اطمینان بخشند.

نظام آسُد که یکی از مزدوران امریکاست، نظامی که به همکاری امریکا، ما را به قتل رساند، سرزمین ما را ویران کرد و مردم ما را آواره نمود، دشمنان ما را و «دوستان ما را» برای حمایت از این نظام جنایت‌کار تا به اکنون بر ما مسلط کرد و همواره خواهان تداوم این برنامه است، و سران گروه‌ها متوجه این موضوع شدند، بنابر این، می‌خواستند تا امریکا را راضی کنند تا آن‌ها را به عنوان جایگزینی برای نظام آسُد در حفظ منافع خود و اجرای پروژه‌های سیاسی خود در سرزمین ما برگزینند؛ گویی که آنان از داستان‌های تاریخی و عاقبت خیانتکاران و مزدوران درس نمی‌گیرند! گویی معتقدند که نصرت و راه‌حل در دست امریکاست، نه در دست الله سبحانه و تعالی، همانگونه که نظام‌های مستبد معتقدند و عمل می‌کنند! مزدوری که به مردم و انقلاب خود خیانت می‌کند، دینی جز مصلحت و منفعت خود نداشته و فاقد وجدان می‌باشد، زیرا دین خود را به عوض اندکی از دنیا فروخته است.

همراهی با امریکا و تبعیت در گام‌هایش و پذیرفتن راه‌حل سیاسی کشنده و قانون اساسی سکولارش؛ جنایتی علیه دین، امت و انقلابش بوده و جنگی با الله، رسول الله صلی الله علیه وسلم و با مؤمنان است.

ما به مردم خود در سرزمین مبارک شام می‌گوییم که این امر بسیار خطرناک و گسترده است، پس مراقب خود باشید، الله سبحانه و تعالی شما را مشمول رحمت خود گرداند! شما را، راه نجاتی از این مصیبت نیست؛ جز راه‌حل اسلامی ربانی و همکاری با کسانی که روی آن راه‌حل کار می‌کنند تا حاکمیت اسلامی خلافت راشده بر منهج نبوت را إقامة کنند.

هم‌چنین یادآور می‌شویم که این نظام‌های طغیانگر و ستمگر، مراحل گروه‌های مرتبط را که عامل نشأت‌شان است، پشت سر گذاشته‌اند، پس آیا منتظریم که سران این گروه‌ها، نظام‌های هم‌چو نظام‌هایی را بوجود آورند که مردم علیه آن‌ها قیام نمودند و بخاطر نجات از آن‌ها، قربانی‌های مالی و جانی دادند تا در نهایت نجات یافتند یا که باید به فکر جایگزینی‌شان شد و از آنان دوری جست و بسوی کسانی رفت که الله و رسولش را تصدیق نموده و نسبت به امت و دین آن در گفتار، کردار و طرح سیاسی‌شان که مورد پسند الله سبحانه و تعالی است اخلاص داشته و منافع امت و عزتش را تأمین می‌کنند؟! پس آیا کدام استجابت‌کننده‌ای است؟!!

**نویسنده: استاد محمد سعید العبود**

**مترجم: محمد مزمل**